



باشنو شمیم عود
به کوشش: اکبر ایرانی
مؤسسه فرهنگی اهل قلم

و مشهور عربی است که در کتاب
آغانی بسیار در وصف آن گفته شده
و حتی شعرها سروده شده است و
چون تا انسان صدای بلند عود را
نشنود و بوی خوش آن را با مشام
جان حس نکند، نمی‌داند که این
ساز چه می‌کند و چه می‌گوید؟ پس
باید شمیم عود را با گوش جان حس

کرد. موسیقی نعمتی است شنیدنی، چگونه ناشنیده را داوری
توان کرد!

آغانی به راستی یک دایرةالمعارف موسیقی و فرهنگ
و جامع‌ترین دیوان نظم و نثر و روایات عرب جاهلی و صدر
اسلام است. مؤلف آن در طی پنجاه سال توانسته است، به
شرح احوال نغمه پردازان و غزل سرایان و مجموعه‌ای از
الحن و اصوات عربی که توسط مغنیان ایرانی عرب زبان
خوانده و ساخته شده، در بیست و چهار جلد اشاره و منبع
جامعی از اخبار و اشعار و تاریخ ادب عرب باشد. چنان چه هر
آوازی همراه با شرح احوال شاعر و خواننده و نوازنده و تفصیل
لحن آن ثبت و وزن عروضی و مشکلات لغوی و مناسبات
تاریخی هر ترانه‌ای به بیان آمده و در ذیل هر ترانه نیز
حکایات جالبی ذکر شده است.

در این میان حدود صد ترانه از بهترین ترانه‌های عربی
برای هارون الرشید و الواثق بالله عباسی انتخاب و سپس با
شرح و تفصیل نقل شده است، همچنین آوازهای مشهور
دیگری که شعر یا آهنگ آن از خلفا و خانواده ایشان و یا از
مشاهیر شاعران و نوازندگان و خوانندگان بوده و در زمان
مؤلف شهرت داشته‌اند، جمع‌آوری شده است.

بازنویسی و تلخیص کتابی چون آغانی که تاریخ ادبیات
و فرهنگ عرب، مستندترین مرجع برای تاریخ موسیقی عرب،
دیوان جامعی از اشعار عربی تا نیمه قرن چهارم هجری، جنگ
قصص و افسانه‌های قبایل عرب و قدیم‌ترین سند اصالت
بعضی خطب نهج البلاغه و سند اصالت موسیقی ایرانی در
فرهنگ عرب و... است کاری بایسته می‌باشد. کتابی که
خزانه‌ای افکار و کلمات و مضامین و امثال و حکم شعر و
ادبیات فارسی است، نوادر و نکات مهمی از تاریخ فرهنگ
ایران را در خود نهفته دارد و گنجینه‌ای است از واژه‌های
فارسی و اصطلاحات موسیقی که در عصر ابوالفرج در بغداد
رواج داشته است.

کتاب آغانی تألیف ابوالفرج اصفهانی،
شرحی است از زندگی خوانندگان و شاعرانی
که در طی دو قرن اولیه اسلام پیدا شده و سیر
تطور موسیقی را گزارش داده‌اند. این اثر
بزرگترین دایرةالمعارف شعر و ادب و هنر
موسیقی عربی است که در ۲۰ جلد در قرن
چهارم تألیف شده و به معرفی شاعران بزرگ
و کوچک و هنرمندان موسیقی از عهد جاهلی

تا سال ۳۰۰ هجری می‌پردازد. در بازنویسی این کتاب تلاش
شده است، در عین معرفی آن، شمایی از وضعیت فرهنگی و
هنری سه قرن اول اسلام ارائه و شعر خوب و بد
لهوی و هنری از یکدیگر تفکیک گردد. همچنین روشن شود
اسلام با چه نوع شعر و موسیقی و چرا مخالفت کرده است.

اکبر ایرانی علت پرداختن به این کتاب را بر این مبنا
گذاشته که موضوع غناء و موسیقی در اسلام نیازمند تحقیق و
کار بیشتری است و آنچه تاکنون صورت گرفته درباره‌ی معنا
و مفهوم لفظ و واژه بوده است نه موضوع و مصداق.

او می‌گوید برای شناخت موسیقی و غنا مورد نهی و ردّ
اسلام، باید به شأن نزول آیات مربوطه و شأن صدور روایات
مذکوره و حکایات تاریخی توجه کرد. باید تاریخ غنا و موسیقی
مطالعه شود و در این میان کتابی جامع‌تر از آغانی ابوالفرج
اصفهانی نیست. وی اضافه می‌کند چون درباره‌ی این اثر
تاکنون هیچ کتاب کوچک فارسی نوشته نشده بود بر آن شدم
تا به معرفی آغانی پرداخته تا هم تصویری از غنا و موسیقی
در دوران قبل از اسلام و هم دوران پس از اسلام تا عصر
عباسیان ارائه کنم. او می‌گوید: در این کار، نخست به جلد اول
آغانی از مرحوم محمدحسین مشایخ فریدنی که در دو جلد
ترجمه شده بود و سپس به ترجمه‌ای که آن زنده یاد به طور
خلاصه از جلد اول تا دهم آغانی چاپ قاهره کرده بود مراجعه
و کار تلخیص و بازنویسی بر مبنای این چهار جلد آغاز شد. با
اتمام این چهار جلد به بررسی و مطالعه‌ی کتاب‌هایی پرداخته
شد که درباره آغانی نوشته شده است، به ویژه چاپ آغانی (۲۵
جلدی) چاپ مؤسسه علمی بیروت ۱۴۲۱ هـ.

نام این کتاب از این روی انتخاب شده است که:

«شنیدن هم به معنای استماع است و هم به معنای
بوکردن، شمیم هم به معنای بوی خوش است و هم بلندی و
ارتفاع، و عود نیز به دو معنای معروف آن به کار رفته: یکی
عطر و دیگری سازی که موسوم به بریط است و آن ساز کهن